

فرودگاه قلعه مرغی- ۲۱

## راز جوان مجروح درغارمخوف

**محمد بلوری/** آنچه گذشت: باراه اندازی نخستین فرودگاه در جنوب شهر تهران، یک هواییامی نظامی دربرخورد با کبوتران سرنگون شد و دادگاه‌های نظامی، محاکمه کبوتریازان را آغاز کردند. دختری که بایکی از کارکنان فنی امریکایی در فرودگاه آشنا شده بود در جریان قرار با او به‌دست ناشناسی به قتل رسید و جسدش را در بیابان پیدا کردند. حیدر برادر این دختر برای حفظ آبروی‌شان پا به فرار گذاشت تا خودش را قاتل خواهر نشان دهد و در جریان فرار شبانه وارد یک مقبره در بیابان شد...

\*\*\*

درویش بلند شد، فانوس روشن را در دست گرفت و با گذشتن یک دالان حیدر را به خوابگاهی که مخصوص زائران و مسافران در راه مانده بود راهنمایی کرد. فانوس را کنار تخت گذاشت و گفت: راحت بخواب بپرم تا ببینم فردا چه خواهد شد. حق نگهدارت باشد.

حیدر تن خسته‌اش را روی تخت رها کرد و رویه سقف دراز کشید، اما چشم‌هایش خواب را لوجوانه پس می‌زد، پلک‌هایش را که بهم فشرد چشم‌های خواهرش اقدس را دید که با صورتی خون آلود به او خیره شده است. هراسان بلند شد و بر لب تخت نشست. صدای ناله‌ای می‌آمد. ترس گنگی برچانش چنگ انداخته بود. به‌گمانش گرفتار کابوس شده است. گوش خوابانده و به در اتاق زل زد، ناله خفیف مردی را می‌شنید. با پاهای برهنه از اتاق بیرون رفت و به ته راهرو نگاه کرد. در قاب آخرین پنجره، پروتز زرد و پژمرده چراغی پیر می‌زد. پاورچین تا ته راهرو رفت و پشت در اتاقی ایستاد. صدای ناله مردی از این اتاق می‌آمد. با احتیاط لنگه در را باز کرد و نگاهش را توی اتاق گراند. جوانی را روی یک تخت دید که در میان ناله‌هایش، زیر لب هنایان می‌گفت. صورت لاغر و پریده رنگش خیس عرق بود و به سختی نفس می‌کشید. پا در اتاق گذاشت و کنار تخت زانو زد. جوان بیمار با چشم‌های خمار تب دارش، نگاهی دردمانده به او کرد و لب‌های آماسیده و کبودش را جعباند: -آب، تشنه‌ام، آتش گرفتم.

لبه پتویی که روی سینه‌اش کشیده بودند خیس خون بود. حیدر آرام پتو را از روی سینه لخت جوان کنار زد و از هول و هراس سرش را پس کشید. از زیر لبه پارچه‌ای که روی سینه‌اش بسته بودند خون تازه‌ای بیرون می‌تراوید و روی تشک نشست می‌کرد. حیدر دست و پایش را گم کرده بود و گیج و منگ در اطرافش بی چیزی می‌گشت. کاسه آب را لب ازب تاقچه برداشت و با دو دست لرزان به لب‌های داغمه بسته جوان چسباند. -بخور آب بخور. تبات میدا پایین!

جوان مجروح چشم‌های نیمه باز خمارش را به‌صورت حیدر گرفت، سرش را روی بالش به جلو لغزاند و جرحه‌ای که نوشید، صورتش را رویه سقف برگرداند و هاله‌ای از مردمک چشم‌هایش از لای پلک‌ها بیرون ماند. حیدر سراسیمه از اتاق بیرون دوید تا درویش را خبر کند، بغض در گلویش گلوله شده بود و حنجره‌اش را درد می‌آورد. درویش با کمری خمیده روی تشکچه نشسته بود، لب‌هایش در تلاوت کلام خدا بود و با نوسان سروشانه‌ها، تسبیح می‌چرخاند. حیدر مقابل او روی یک زانو نشست و خم زانوئ دیگری را به سینه چسباند. کف دست‌ها را به زمین خوابانده و از پشت پرده کلازان درویش پیر را نگاه کرد.

■ **ادامه مطلب پنجشنبه آینده**

فرمانده نیروی انتظامی:

## تحول در کلاقتری‌هایک تکلیف است

**گروه حوادث/** فرمانده نیروی انتظامی بر ارتقای خدمت‌رسانی به مردم با تقویت و ایجاد تحول در کلانتری و پاسگاه‌ها و هوشمندسازی پلیس به‌عنوان یک تکلیف تأکید کرد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، سردار اشتری در نهمین جلسه قرارگاه مرکزی تحول کلانتری و پاسگاه‌ها با اشاره به پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت هفته نیروی انتظامی گفت:ایشان در این پیام نیروی انتظامی را یکی از ستون‌های استوار امنیت در کشور عنوان کرده‌اند، به‌دنبال پیام مقام عظمای ولایت وظایف ما نیز دوچندان خواهد شد و در جهت محقق شدن فرمایشات ایشان تمامی ظرفیت‌ها را باید به‌کارگرفته‌ایم. فرمانده نیروی انتظامی در ادامه گفت: ایجاد تحول در کلانتری و پاسگاه‌ها به‌عنوان یک تکلیف بر عهده ما قرار داده شده است، از این رو باید در این حوزه از تمامی ظرفیت‌ها برای ایجاد تغییر و تحول و تقویت کلانتری و پاسگاه‌ها بهره ببریم. کلانتری و پاسگاه‌ها باید به‌عنوان امن‌ترین و پاک‌ترین محیط برای مردم تلقی شود و مردم بدانند که دلسوزترین و پاسخگوترین افراد در کلانتری‌ها مشغول خدمت‌رسانی هستند.

سردار اشتری در ادامه بر لزوم توجه به صیانت از کارکنان و ارتقای معیشت آنها تأکید کرد و گفت: ارتقای معیشت کارکنان خصوصاً افرادی که در کلانتری و پاسگاه‌ها مشغول خدمت‌رسانی هستند در نیروی انتظامی از اولویت‌ها بوده و هست و باید برای احقاق این امر بیش از گذشته تلاش کنیم.

سختگوی ناچا:

## جمع‌آوری معتانک متجاهر سخت نیست

**گروه حوادث/** سختگوی ناچا آخرین وضعیت پرونده سرباز وظیفه‌ای که از نماینده مجلس سیلی خورده بود، آمدگی پلیس برای جمع‌آوری معتانک متجاهر و برخورد پلیس با دارندگان سلاح غیرمجاز را تشریح کرد. به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، صبح دیروز سردار مهدی حاجیان در نشست برنامه‌ها و تمهیدات سی و پنجمین دوره مسابقات کشتی نظامیان جهان (سیرم) گفت: هدف سیزم صلح بین‌المللی، ایجاد اتحاد و همبستگی بین نیروهای نظامی جهان است، ضمن اینکه شعر آن دوستی از طریق ورزش است.

■ **آمدگی پلیس برای جمع‌آوری معتادان**

سختگوی ناچا درباره جمع‌آوری معتادان متجاهر نیز گفت: بارها گفته شده و همه می‌دانید که ناچان این آمدگی را دارد که ظرف کمتر از یک هفته تمامی معتادان متجاهر را در سراسر کشور جمع‌آوری کرده و به مراکز نگهداری از این معتادان تحویل دهد و این اقدام زمان و هزینه چندانی برای هزینه ندارد اما مساله این است که این معتادان در کجا باید نگهداری شوند. چرا در سال‌های گذشته که باید بر بحث پیشگیری و درمان اعتیاد تأکید می‌شد اقدامی انجام ندادند و حالا باید تمامی سازمان‌های دارای مسئولیت پاسخگو باشند. وی ضمن قدردانی از حضور رئیس جمهور در مرکز بازپروری سروش که در بازداشتگاه سابق کهریزک بنا شده، گفت: حضور رئیس جمهور باعث دلگرمی ما شد و ان‌شاءالله ایشان دستوری دهند که این معضل برای همیشه حل شود. ما معتقدیم که باید با علل آسیب‌های اجتماعی مقابله کرد. متأسفانه در حال حاضر روند درمان معتادان ناقص است. حداقل طول درمان باید یک سال باشد و وقتی فردی به کمپ برده می‌شود باید بر این موارد نظارت شود. سازمان‌های مسئول باید علاوه بر ترک برای بازگردان فرد معتاد به جامعه نیز برنامه جامع و کاملی داشته باشند.

■ **نگهداری هر نوع سلاح فاقد مجوز جرم است**

حاجیان درباره موضوع نگهداری سلاح غیرمجاز نیز گفت: پلیس هم در مرزا هم در مرکز شهر با قاچاقچیان سلاح برخورد کرده و ما اشراف خوبی روی این موضوع داریم. البته لازم است که مجازات واردکنندگان سلاح نیز بازدارنده باشد ضمن اینکه ناچان نیز با این رفتار و به طور کلی با ارادل و اوياش و تمام کسانی که بخواهند امنیت و آرامش مردم را مختل کنند برخورد خواهد کرد. هر نوع سلاح فاقد مجوز در هر شکلی اعم از سلاح ساجمه‌ای و... جزو موارد ممنوعه محسوب می‌شود و دارندة چنین سلاحی مجرم است حتی اگر آن سلاح نه جنگی و نه شکاری باشد اما همین که مجوز نداشته باشد حمل آن مجرم‌ساز است.

■ **رضایت سربازی که سیلی خورده بود**

سردار حاجیان درباره آخرین وضعیت پرونده سرباز ناچا نیز گفت: در این پرونده نماینده مجلس با جلب رضایت سربازی که سیلی خورده بود و دلجویی از وی موفق شد رضایت او را جلب کند و صلح و سازش بین شاکي و متشاکي انجام شد.

## در جریان درگیری با اشرار مسلح شرق کشور رخ داد

# شهادت فرمانده و ۲ تکاور پلیس



شهید سرهنگ مهدی توسنگ |

مظلومانه سه نفر از مجاهدان غیور نیروی انتظامی، سردار حسین معروفی، فرمانده سپاه ثارالله استان کرمان طی پیامی این حادثه را تسلیت گفت. در متن پیام آمده است:

شهادت مظلومانه سه دلاور مرد نیروی انتظامی شهیدان والا مقام سرهنگ مهدی توسنگ؛ استواریکم احسان شیرخانی و سرباز وظیفه احسان خدادادی در درگیری با اشرار و قاچاقچیان مسلح در دشت سمسور(مرزیم و سیستان و بلوچستان) موجب تأسف و تأثر عمیق اینچانب و دیگر سپاهیان ثارالله کرمان شد. این شهدای بزرگوار که در راه امنیت جامعه، مظلومانه جان خود را تقدیم کردند، بی‌شک از جایگاه والایی در پیشگاه خداوند متعال برخوردار خواهند بود.



شهید امیرحسین خدادادی |

شهادت نائل و شش نفر از مأموران مجروح شدند که حال عمومی آنها مطلوب گزارش شده است. با توجه به میزان درگیری و حجم آتش سنگین اشرار، نیروهای تکاوری پلیس تا ظهر دیروز در حال پاکسازی منطقه بودند.

همچنین با توجه به شهادت



شهید استواریکم احسان شیرخانی |

گریز و درگیری مسلحانه، یگان تکاوری یم موفق به زمینگیر کردن قاچاقچیان شدند. عصر روز سه‌شنبه تکاوران قرارگاه عملیاتی ابودر هنگام گشت در حوزه استحفاظی در دشت سمسور واقع در مرز استان کرمان با سیستان و بلوچستان با کاروان اشرار و قاچاقچیان مسلح درگیر شدند و پس از تعقیب و

**گروه حوادث/** درگیری تکاوران

پلیس با اشرار مسلح در دشت سمسور -مرز کرمان و سیستان وبلوچستان- که از عصر سه‌شنبه آغاز و تا صبح دیروز ادامه داشت در حالی منجر به زمینگیر شدن قاچاقچیان شد که در این عملیات نفیسگیر فرمانده قرارگاه عملیاتی ابودر و دو نفر از تکاوران پلیس به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.

سردار «عبدالرضا ناظری» فرمانده انتظامی استان کرمان در تشریح این عملیات ویژه در جمع خبرنگاران گفت: عصر روز سه‌شنبه تکاوران قرارگاه عملیاتی ابودر هنگام گشت در حوزه استحفاظی در دشت سمسور واقع در مرز استان کرمان با سیستان و بلوچستان با کاروان اشرار و قاچاقچیان مسلح درگیر شدند و پس از تعقیب و

# اجاره ۱۰ میلیون تومانی سه سارق خشن

**گروه حوادث/** سارق حرفه‌ای وقتی قهمید

همدستش به وی ناز زده سه نفر را اجیر کرد تا او را کتک زده و تنبیه کنند.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»،

مدتی قبل مرد جوانی که با ضربات متعدد

چاقو و قمه مجروح شده بود به بیمارستان

منتقل شد. پس از بهبودی مرد جوان که

پیمان نام داشت به مأموران پلیس مستقر

در بیمارستان گفت: آخر شب قصد داشتم

مغازه‌ام را تعطیل کنم و به خانه بروم که

ناگهان سه مرد نقاب‌دار قمه به‌دست وارد

مغازه‌ام شدند. آنها با قمه و چاقو به جانم

افتاده و مرا تا حد مرگ کتک زدند. گردنم

طلا، وسایل داخل گاوصندوق و پول‌های

مغازه را به سرعت بردند و من نیمه‌جان

داخل مغازه افتادم. برادرم که از برنگشتن من

بلافاصله پس از وقوع حادثه کار گروه ایمنی و عملیات وارد منطقه شدند و تا ساعت

۸/۱۵ دقیقه صبح چهارشنبه آتش سوزی کاملاً مهار شد. دلایل بروز حادثه در دست

بررسی است و شواهد حاکی از آن است که خوردگی لوله باعث این حادثه شده

است.

وی افزود: این حادثه تلفات جانی نداشته و هم اکنون خط و محوطه ایمن سازی

شده و پس از کنترل کامل و تعمیرات لازم خط وارد مدار خواهد شد.

## کشاورز خوزستانی از زندان آزاد شد

**گروه حوادث/** کشاورز «دزپارتنی» که به اتهام تخریب شیشه‌های بالگرد اورژانس هوایی به ۱۸ ماه حبس و تبعید محکوم شده بود، آزاد شد.

به‌گزارش خبرنگاری صداوسیما ی مرکز خوزستان، دادگستری کل خوزستان اعلام کرد: در پی شکایت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی جندی شاپور اهواز و شبکه بهداشت دهدز در خرداد سال گذشته علیه مردی کشاورز به اتهام تخریب شیشه‌های بالگرد اورژانس هوایی، پرونده در این دادگاه تشکیل شد.

این بالگرد برای انتقال یک بیمار قلبی به منطقه صعب العبور اعزام و به ناچار در زمین کشاورزی متهم فرود آمده بود و وی در اعتراض به این ماجرا شیشه بالگرد را شکسته بود. با توجه به نبود متهم در دادگاه بدوی و تجدیدنظر، رأی در خصوص وی به‌صورت غیابی صادر و با ارسال پرونده به اجرای احکام، حکم جلب متهم در خردادماه جاری صادر و محکوم علیه ضمن پذیرش محکومیت و عدم اعتراض، روانه زندان رامهرمز شد.

بنا به درخواست قاضی اجرای احکام، از دادگاه صادرکننده رأی قطعی محکومیت تخریب شیشه‌های بالگرد و اعمال ماده ۷۷ قانون مجازات اسلامی، در نهایت این فرد مشمول کاهش مجازات شد و کل مجازات حبس و تبعید محکوم علیه به سه ماه حبس تقلیل یافت و اجرای مابقی مدت حبس برای مدت سه ماه به طور موقت متوقف شد که با این حکم، دیروز محکوم علیه از زندان آزاد شد.

## مهار حریق در خط لوله گاز خوزستان

**گروه حوادث/** انفجاریکی از خطوطلوله گاز در خوزستان پس از یک ساعت بدون تلفات جانی مهار شد.

این انفجار در ساعت ۷/۱۵ دقیقه صبح روز گذشته در یکی از خط‌وطلوله ۱۶ اینچ خروجی ایستگاه تزریق گاز مارون در روستای رمیض بخش مشراکه رامشیر خوزستان رخ داد و بلافاصل آتش ششان بعد از یک ساعت مهار شد.

علی اکبر چهزازی سختگوی شرکت نفت مارون در این باره به ایلنا، گفت: بلافاصله پس از وقوع حادثه کار گروه ایمنی و عملیات وارد منطقه شدند و تا ساعت ۸/۱۵ دقیقه صبح چهارشنبه آتش سوزی کاملاً مهار شد. دلایل بروز حادثه در دست بررسی است و شواهد حاکی از آن است که خوردگی لوله باعث این حادثه شده است.

وی افزود: این حادثه تلفات جانی نداشته و هم اکنون خط و محوطه ایمن سازی شده و پس از کنترل کامل و تعمیرات لازم خط وارد مدار خواهد شد.

**گروه حوادث/** مرزمان با فرار

پسر جوانی که به اتهام آزار یک زن

به شلاق و تبعید محکوم شده بود

قضات دستور بازداشت وی را صادر

کردند.

به‌گزارش خبرنگار حوادث

«ایران»، رسیدگی به این پرونده

از دو سال قبل با شکایت زن ۴۲

ساله‌ای به‌نام سحر که مدعی بود

در پارکینگ یک مرکز تجاری مورد

آزار و اذیت قرار گرفته آغاز شد.

او در تشریح بیشتر ماجرا گفت:

مدتی قبل آگهی استخدام یک

مرکز تجاری حوالی اتوبان همت را

دیدم. فردای آن روز برای پیگیری

آگهی به آنجا رفتم که نگهبان

مجموعه اجازه نداد وارد شوم

در همان لحظه یکی از کارمندان

مجموعه با نشان دادن کارتش

به نگهبان، مرا همراه خودش به

داخل پاساژ برد.

پس از آن به نشانی آگهی دهنده

رفتم اما به توافق نرسیدیم. پس از

آن همان مرد جوان به من پیشنهاد

داد تا با ما شیشین من را به خانه‌ام

برساند اما وقتی به پارکینگ

مجمع رسیدیم او با تهدید چاقو

من را به اتاقکی در پارکینگ برد

و قصد داشت تا آزارم دهد که با

فریادهای من مأموران حراست سر

رسیدند.

به‌دنبال اظهارات شاکي، متهم

بازداشت شد و پرونده پس از

تکمیل به‌شعبه ۱۲ دادگاه کیفری

استان تهران فرستاده شد. او

در ابتدای جلسه به رد اتهامش،

ادعای عجیبی را مطرح کرد و

گفت: این زن خودش به من

پیشنهاد برقراری ارتباط نامشروع

خانواده‌اش نیز از وی خبری ندارند.

با این حال قضات حکم بازداشت

و ی را صادر کردند.

# بازداشت راننده پراید به اتهام ربودن ۲ دختر

شکایت در یک هفته مواجه شدند. دومین شاکي مدعی شده بود وقتی راننده خودرو او را به بیرون پرتاب کرده موفق شده تعدادی از شماره پلاک خودروی پراید را به خاطر بسپارد. با سرخنی که دختر جوان در اختیار مأموران قرار داد، آنها پس از چند روز بررسی موفق به شناسایی و دستگیری راننده جوان شدند.

پسر جوان که خود را کارمند یک مجتمع دندانبزشکی معرفی کرد در حالی که منکر اتهام خود بود، گفت: این دختران دروغ می‌گویند.

تغییر مسیر داد و با کشاندن من به بیابان‌های اطراف تهران مرا مورد آزار و اذیت قرار داد و طلا و پول‌هایم را سرق کرد. با شکایت دختر جوان، تحقیقات به دستور بازپرس علیرضا بهشتی برای شناسایی راننده شروع آغاز شد. در حالی که بررسی‌ها در این خصوص ادامه داشت، کارآگاهان با شکایتی مشابه مواجه شدند. دومین شاکي نیز دختر جوانی بود که از محل کار به خانه برمی‌گشت اما در دام راننده پراید گرفتار شده بود. بدین ترتیب مأموران با دو